
تبیین راهکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی براساس آموزه‌های قرآنی و روایی

افشین سلیمی وردنجانی^۱

چکیده

مبارزه با مفاسد اقتصادی یکی از مهم‌ترین دستورات دینی به مسلمانان است. با توجه به آن‌که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منبعث و متأثر از تعالیم الهی است بنابراین بر اساس همین دستور یکی از اصلی‌ترین محورهای بیانیه به این مهم اختصاص یافته است. در این پژوهش با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوای کیفی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که در آموزه‌های قرآنی و روایی چه راهکارهایی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی به مسلمانان توصیه شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در این منابع فساد اقتصادی به هرگونه تخطی از احکام اسلامی که منجر به اختلال در نظام اقتصادی شود اطلاق می‌شود. در این منابع علاوه بر بیان مصادیق فساد اقتصادی از جمله ربا، رشوه، حرام‌خواری و... به بیان راهکارهای مقابله با آن نیز پرداخته شده است. این راهکارها در مجموع در دودسته کلی ۱. راهکارهای پیشگیرانه (ایجابی) شامل اقدامات

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته "اندیشه سیاسی در اسلام" پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب

تعیینی، فرهنگی و اصلاح نظام اجرایی ۲. راهکارهای سرکوب‌گرایانه (سلبی) شامل اقدامات قضایی و جزایی ارائه شده است. همچنین در دستورات اسلامی اولویت با اقدامات پیشگیرانه است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، روایات، مفسد اقتصادی، بیانیه گام دوم انقلاب.

مقدمه

فساد یکی از بزرگ‌ترین معضلات اخلاقی و اجتماعی محسوب می‌شود که از دیرباز در جوامع انسانی رواج داشته است. آلودگی بشر به مفاسد به اندازه‌ای معروف بوده که پیش از آفرینش آدمی فرشتگان به خداوند متعال عرضه می‌دارند: (قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؛ فرشتگان گفتند: پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟)). یکی از انواع مفاسدی که بشر از بدو خلقت تاکنون به آن آلوده شد و روزبه‌روز گسترش بیشتری پیدا کرده، فساد اقتصادی و مالی است. انسان متمدن امروزی هم علیرغم استفاده از ابزارها و تکنولوژی‌های نوپدید همچنان درگیر این موضوع است. آن‌چنان‌که امروزه با توجه به محدودیت منابع اقتصادی لزوم مبارزه با فساد اقتصادی در جوامع پیش‌ازپیش مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به تأکیدی که بر مسئله عدالت در منابع قرآنی و روایی آمده و یکی از مظاهر عدالت برقراری یک نظام اقتصادی سالم است که همگان بتوانند در آن فعالیت مفید و سازنده داشته باشند بنابراین در جوامع اسلامی اهمیت مبارزه با مفاسد اقتصادی دوچندان است که نمونه بارز آن را می‌توان تلاش نظام جمهوری اسلامی از بدو حیات تاکنون دانست. اهمیت موضوع به اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب که تبیین‌کننده راهبردهای پیشروی نظام است علاوه بر بیان اهمیت مسئله اقتصاد به عنوان یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده، صریحاً موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی را مطرح و مطالبه کرده است.

آلودگی بشر به انواع مفاسد و ازجمله فساد اقتصادی باعث شده تا مبارزه با فساد در دستور کار پیامبران و رهبران الهی قرار گیرد. قرآن کریم کتاب شناخت و هدایت انسان و تضمین‌کننده سعادت جوامع بشری است. خداوند متعال با انزال کتب و سپس ارسال پیامبران و جانشینان آن‌ها راه را از چاه می‌نماید و در تمام ابعاد زندگی انسان راه‌حلهایی ارائه داده است. بدیهی است که در قرآن کریم و سخنان معصومین علیهم‌السلام این دغدغه مهم

موردتوجه قرار گرفته و راهکارهایی برای ایجاد اقتصاد بهتر در قالب مبارزه با مفاسد اقتصادی و مفسدین به صورت مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده است؛ در پژوهش حاضر در پی اثبات این فرضیه که دستورات اسلامی به نحوی است که اگر درست اجرا گردند فساد به صورت عام و فساد اقتصادی به صورت خاص اصلاً رخ نخواهد داد با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای تلاش شده پس از ارائه تعریف و بیان مصادیق فساد اقتصادی در اسلام، راهبردهای مبارزه با این نوع از مفاسد را بر اساس آموزه‌های قرآنی، روایی و سیره معصومین علیهم‌السلام احصاء و تبیین کنیم.

پیشینه پژوهش

در زمینه تعریف فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با این نوع از فساد پژوهش‌هایی تاکنون صورت گرفته است. برخی از پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت پذیرفته عبارتند از:

در کتاب "فساد مالی" تألیف حسن دادگر و غلامعلی معصومی نیا (۱۳۸۶) نویسندگان ابتدا به ارائه تعریفی از فساد اقتصادی پرداخته و سپس ضرورت مبارزه با آن را توضیح می‌دهند. رویکرد این کتاب به مسئله فساد اقتصادی رویکرد علمی است. هرچند که در خلال مباحث به تبیین راهکارهای مقابله با فساد از منظر اسلام پرداخته شده اما به صورت مختصر و بسیار محدود.

در کتاب "مبارزه با فقر و فساد در سیره نبوی" تألیف اسماعیل پرور (۱۳۸۸) نویسنده در چهارفصل ضمن بیان تعریف فساد به ارائه دیدگاه‌های پیامبر در خصوص مبارزه با فقر و فساد پرداخته است. هرچند در این کتاب به مستندات قرآنی و روایی در زمینه مبارزه با مفاسد پرداخته شده است اما این اشارات بسیار محدود و بیشتر متوجه رفع فقر و محرومیت در جامعه است. علاوه بر آن نویسنده به مسئله مبارزه با فساد به صورت کلی و عام پرداخته است.

در مقاله "بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن" به قلم نرگس رحیمیان (۱۳۹۳)

نویسنده مسئله فساد و عوامل بروز آن را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده، سپس به بیان مصادیق و پیامدهای فساد اشاره کرده است. در این مقاله برای بیان برخی از مصادیق فساد مستنداتی از قرآن آورده شده است که بسیار ناچیز است و رویکرد آن را می‌توان تماماً علمی دانست.

در مقاله "نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی" به قلم رحمت‌الله عبدالله زاده، مصعب عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶) علاوه بر بیان تعریف مفساد اقتصادی از دیدگاه اسلام به مقایسه میزان مفساد اقتصادی در ایران و سایر کشورها پرداخته شده است. متأسفانه راهکارهای ارائه شده در این مقاله برای مقابله با فساد کامل نیست و صرفاً به چند مورد خاص بدون دسته‌بندی مشخص اکتفا شده است.

هر یک از پژوهش‌های فوق از زوایایی به این مسئله مهم پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه پژوهش جامعی که به بیان دیدگاه‌های اسلام در این خصوص بپردازد و با ذکر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام راهکارهایی در ارتباط با مسئله مفساد اقتصادی ارائه کند به چشم نمی‌خورد. لذا موضوع حاضر یک موضوع با پیشینه پژوهشی محدود است.

۱. تعریف فساد اقتصادی و مصادیق آن در اسلام

فساد در لغت به معنای آشوب، ویرانی، بدکاری، خشک‌سالی، بیماری، نابودی، فتنه، نیستی و پوسیدگی است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ۸۴/۹). راغب در مفردات خروج هر چیز از اعتدال را فساد می‌داند خواه این خروج کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن را صلاح می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق / ۶۳۶). در تفسیر نمونه نیز ذیل آیه ۲۵ سوره رعد هرگونه تخریب و ویرانگری به‌عنوان فساد معرفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۰ / ۲۰۱). آنچه در این تعاریف مطرح شده است تعریف لغوی واژه فساد است و توجه به این نکته ضروری است که این تعریف لغوی کاملاً با مفهوم اصطلاحی آن مرتبط است؛ البته با ذکر این نکته که هرگاه این کلمه به واژه دیگری اضافه شود معنای خروج و انحراف از حالت اعتدال برحسب مضاف‌الیه متفاوت می‌شود؛ بنابراین از نظر اسلام فساد اقتصادی عبارت است از

هرگونه انحراف از اصول، احکام و ضوابط شرعی اقتصاد (شامل کسب روزی حلال، ممنوعیت دریافت و پرداخت رشوه و ربا، پرداخت مالیات واجب و مستحب و...) بر این اساس در دیدگاه شارع مقدس هر آنچه در تمام بخش‌های اقتصادی اعم از تولید، توزیع و مصرف با مصالح واقعی جامعه اسلامی مغایرت داشته باشد از مصادیق فساد اقتصادی است. (محقق، ۱۳۸۹ش / ۷). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که فساد اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام به هرگونه انحراف از قواعد و ضوابط شرعی مالی و همچنین به هر نوع انتقال غیرقانونی یا سوءاستفاده از قدرت، مقام و موقعیت خود، منابع ملی، عمومی و منافع بخش دولتی و خصوصی به سمت منافع شخصی، قومی و قبیله‌ای، حزبی و... که باعث اختلال در نظامات اقتصادی گردد گفته می‌شود. آن دسته از افرادی که باعث اختلال در نظامات اقتصادی کشوری گردند مفسد اقتصادی شناخته شده‌اند. در تعبیر دیگر هرگونه دارا شدن غیرعادلانه به هر طریق، مفسده اقتصادی است (باهر، ۱۳۸۴ش / ۲۰).

قرآن کریم در داستان‌های متعددی فساد افراد و جوامع را مطرح کرده و تابلوهای بدیعی از مفسدان اقتصادی به تصویر کشیده است. به‌عنوان نمونه مهم‌ترین مأموریت حضرت شعیب علیه‌السلام در قرآن کریم مبارزه با مفساد اقتصادی رایج در عصر خود معرفی شده است؛ آن‌چنان‌که این داستان در قرآن کریم به‌عنوان اسوه و الگوی اصلاح انحرافات اقتصادی مطرح شده است نمونه دیگر مبارزه حضرت موسی علیه‌السلام با قارون به‌عنوان یکی از مفسدان اقتصادی است (-غافر/ ۲۳ و ۲۴، عنکبوت/ ۳۹).

درآیات متعددی خداوند به موضوع سلامت اقتصادی نظر داشته است و اقتصاد بد را مورد مذمت قرار می‌دهد و کسانی را که متصدی چنین اقتصادی هستند مانند حاکمانی که رشوه دریافت می‌کنند را به‌عنوان مفسد معرفی کرده است هرچند توجه به این نکته لازم است که در قرآن کریم شخص خاصی به‌صورت مستقیم به‌عنوان مفسد اقتصادی معرفی نشده است. درآیات ۱۸۱ تا ۱۸۳ سوره شعراء و همچنین ۸۵ سوره هود قرآن کریم کلمه مفسد

را در رابطه با افرادی به‌کاربرده است که در روابط اقتصادی خود با مردم مرتکب عدم صداقت می‌شوند. همچنین در آیات متعددی ضمن بیان داستان پیامبران در مبارزه با فساد یا مذمت صفات مشرکین، منافقین و... به بیان برخی مصادیق این نوع از فساد از جمله رشوه‌خواری (بقره/۱۸۸)، ربا (آل عمران/۱۳۰، بقره/۲۷۸ - ۲۷۹)، کم‌فروشی (مطففین/۱ - ۳، اعراف/۸۵)، حرام‌خواری (نساء/۲۹) و... پرداخته شده است.

۲. راهکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی

با تعمق در آیات قرآن کریم و سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام می‌توان گفت که راهکارهای ارائه‌شده در این منابع به‌منظور مقابله با مفاسد اقتصادی به دودسته بندی کلی " راهکارهای ایجابی یا پیشگیرانه " و " راهکارهای سلبی یا سرکوب‌گرایانه " قابل تقسیم هستند و هرکدام از این دسته‌بندی‌های کلی نیز شامل زیرمجموعه‌های جزئی می‌باشد که جامع و کامل بودن طرح مبارزه با مفاسد اقتصادی منوط به اجرای کامل و دقیق آن‌ها است که در دو قسمت به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱.۲ راه‌حل‌های پیشگیرانه (ایجابی)

راه‌حل‌های پیشگیرانه به مجموعه اقداماتی که باعث پیشگیری از وقوع جرم، تخلف و فساد می‌شود و به‌نوعی مصونیت اجتماعی ایجاد می‌کند گفته می‌شود. این قبیل از راهکارها به‌صورت غیرمستقیم مردم و مسئولین را از نزدیکی به فساد از طریق تشویق به رعایت و تبعیت از احکام دینی و قوانین و مقررات اجتماعی و سنت‌های فرهنگی نیکو و معروف بازمی‌دارد. نکته قابل‌توجه آن است که در دستورات دینی راهکارهای پیشگیرانه (ایجابی) در مقابله با راهکارهای سلبی که هدفش اعمال مجازات و برخورد با مفسدین است از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱.۲-۱. اقدامات تعیینی (تعیین بایدها و نبایدها)

اقدامات تعیینی اولین گام برای رفع مفاسد است. این مهم بدان معناست که در نظام اجتماعی و برای تک‌تک افراد جامعه باید در رابطه با هنجارها و ناهنجاری‌های مدنظر توافق

و تفاهم کامل پدید آید. شاید بتوان گفت تا این مهم در یک جامعه محقق نشود تلاش‌های بعدی برای مقابله با مفسد نتیجه‌بخش نخواهد بود (موسسه فرهنگی مفید، ۱۳۸۳ش / ۳۹۳). توجه به این نکته در رابطه با این مورد ضروری است که این موضوع هرگز به معنای نفی و بی‌اهمیت انگاشتن بررسی‌ها و گفت‌و شنود مباحث علمی میان صاحب‌نظران و در صورت لزوم بازنگری در هنجارها توسط مراکز ذی‌صلاح علمی، فرهنگی و دانشگاهی نیست.

تعیین هنجارها و ناهنجاری‌ها در یک نظام اجتماعی شامل دو فعالیت اساسی است. گام نخست اقدامات تبیینی شامل برطرف کردن هرگونه ابهام و تردید از اصول روش‌های زندگی انسانی - اسلامی است. به عبارت دیگر در این گام هنجارها غالباً به صورت غیررسمی و در قالب مباحث فرهنگی تعریف و تعیین می‌شوند. گام دوم اقدامات تقنینی به معنای رسمی و قانونی کردن هنجارهای مورد پذیرش است. به عبارت دیگر پس از تعریف و توافق اجتماع در مورد مصادیق و حدود فساد یا صلاح باید این مسئله شکل قانونی و رسمی پیدا کند و از ضمانت اجرایی برخوردار شود. در همین راستا اصلاح خلاءهای قانونی و قوانین اقتصادی نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

با بررسی رهنمودهای قرآنی و روایی به خوبی به این مطلب می‌رسیم که اقدامات تعیینی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه در نامه‌ها و دستورالعمل‌ها امام علی علیه السلام خطاب به مسئولین و کارگزاران اقتصادی بر مسئله تدوین قوانین و اصلاح مناسبات اقتصادی با توجه به نکات زیر تأکید کرده است.

۱. تدوین قوانین باید هم منافع حکومت را تأمین کند و هم منافع مردم را. هم به سود فرد باشد و هم به سود جامعه. بر همین اساس به کارگزاران زکات دستور می‌دهند که در گرفتن زکات از مردم آن‌گونه عمل کنند که نه زکات دهند متوجه زیان شود و نه حکومت. (نهج البلاغه / نامه ۵۱. همچنین نامه / ۲۵ و ۲۶)

۲. در تدوین و اصلاح قوانین هم رعایت حقوق حیوانات، هم رعایت بیت‌المال و هم

شرایط کارگزاران مالیاتی مورد توجه قرار گیرد. (نهج‌البلاغه / نامه ۵۱) بر اساس آنچه گفته شد تدوین هنجارهای پذیرفته شده و منطبق با شرع به قوانین رسمی و دارای ضمانت اجرا اولین گام برای مبارزه با مفاسد اقتصادی است. به عبارت دیگر این گام را می‌توان تحت عنوان "آگاه‌سازی مردم" نیز نام برد. بدین معنا که مردم در مورد هنجارها، آگاهی یافته، توافق می‌کنند و سپس قانون وضع می‌شود. فایده این کار از آن جهت است که هیچ مفسدی پس از وقوع جرم نمی‌تواند ادعا کند که از جرم بودن آن عمل بی‌اطلاع بوده یا قانونی در این زمینه وجود نداشته است.

۱۰۲-۲. اقدامات فرهنگی

عمده‌ترین بخش راه‌حل‌های بازدارنده (ایجابی) را اقدامات فرهنگی تشکیل می‌دهد. منظور از راهکارهای فرهنگی مجموعه اقداماتی است که در راستای بهسازی و بازآفرینی اخلاق فردی و نیز مناسبات اجتماعی، باید صورت پذیرد (اکبر نژاد، ۱۳۹۳ش / ۱۹۱). اقدامات فرهنگی را می‌توان به معنای به‌کارگیری راهکارها و تدابیری دانست که با برطرف سازی ناآگاهی‌ها و شکستن جو مسموم جامعه تمایل عموم مردم به انجام رفتارهای صحیح را تسهیل می‌کند و در مقابل آن میل به تخلف را کاهش می‌دهد.

بامطالعه و تعمق در زندگی انبیا و معصومین که بزرگ‌ترین اصلاح‌گران تاریخ بشریت محسوب می‌شوند به‌خوبی درمی‌یابیم که در رأس تمام تلاش‌های اصلاح‌طلبانه آن‌ها اقدامات فرهنگی قرار داشته است. به‌عنوان نمونه حضرت علی علیه السلام از هر فرصتی برای آگاهی دادن به مردم به‌منظور زدودن ارزش‌های جاهلی که جلوه بارز آن حب جاه و مقام بوده بهره برده است و به مذمت دنیاپرستی و هواپرستی و تشویق مردم به آخرت‌گرایی پرداخته است و می‌فرماید: (وَ قَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي زَمَنِ لَا يَزِدَادُ الْخَيْرُ فِيهِ إِلَّا إِذْبَارًا وَلَا الشَّرُّ فِيهِ إِلَّا إِقْبَالًا وَلَا الشَّيْطَانُ فِي هَلَاكِ النَّاسِ إِلَّا ظَمَعًا فَهَذَا أَوَانٌ قَوِيْتُ عُدَّتُهُ وَ عَمَّتْ مَكِيدَتُهُ وَ أَمْكَنَتْ فَرِيضَتُهُ اضْرِبْ بَطْرَفِكَ حَيْثُ شِئْتَ مِنَ النَّاسِ فَهَلْ تُبْصِرُ إِلَّا فَقِيرًا يَكَابِدُ فَقْرًا أَوْ غَنِيًّا بَدَلًا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا؛ (نهج‌البلاغه / خطبه ۱۲۹)

به زمانی رسیده‌اید که نیکی همواره پشت می‌کند و شر رو می‌آورد و طمع شیطان به تباه‌گری مردمان افزون می‌گردد؛ اکنون روزگاری است که اسباب کار شیطان خوب فراهم گشته است و مکر او فراگیر شده است و شکار او به آسانی در دامش می‌افتد؛ به هر سوی جامعه می‌خواهی بنگر! آیا جز بینوایانی می‌بینی که با فشار بینوایی و کمبود داری دست و پنجه نرم می‌کنند، یا توانگرانی که به جای شکر نعمت به کفران نعمت پرداخته‌اند)). در این بیان حضرت قصد دارد با انجام کار فرهنگی و از طریق آگاهی دادن به مردم راه شیطان را سد کند و نظام طبقاتی حاکم در جامعه را از طریق تغییر در باورهای مردم از بین ببرد و مانع از بروز مفسد اقتصادی بشود.

در زمینه اقدامات فرهنگی به منظور مقابله با مفسد اقتصادی مهم‌ترین رئوس عبارتند از:

الف) اهتمام به تزکیه، تهذیب و تعالی روحی افراد

از جمله راهکارهای دین اسلام به منظور مقابله با مفسد به صورت اعم و از جمله مفسد اقتصادی تزکیه نفوس است. تزکیه نفس به معنای پاک‌سازی جان و روان انسان از علایق بیهوده دنیوی است. اهمیت این راهکار از آن جهت است که بعضاً دلیل آلوده شدن افراد به فسادها، ناآگاهی نیست، بلکه میل به مفسد سبب انحراف آن‌ها از راه حق می‌شود.

در قرآن کریم می‌خوانیم که یکی از مهم‌ترین هدف‌های رسالت پیامبر گرامی اسلام در کنار تعلیم و تربیت، مسئله تهذیب و تزکیه نفس افراد است. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که حتی تزکیه نفس و تعالی روحی افراد مقدم بر تعلیم و تربیت معرفی شده است.

(جمعه ۲/)

در روایات اسلامی نیز به نقش اثرگذار تمایلات نفسانی باطل در پیدایش مفسد و ضرورت مبارزه با آن‌ها اشاره شده است. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: (حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ سرچشمه همه گناهان دنیادوستی است)) (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲ / ۱۳۱)؛ و در جای دیگر در خصوص میل به گردآوری ثروت از طریق نامشروع و پول‌پرستی می‌فرماید: (الدِّينَارُ وَ الدِّرْهَمُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ؛ انسان‌های پیش از

شما را درهم و دینار (نامشروع) به هلاکت و نابودی رساند و با شما نیز چنین خواهد کرد)) (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ق، ۱/۴۳).

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در بعد اقدامات فرهنگی، تلاش در جهت کاهش توجهات مردم به فخر فروشی و لذات مادی و پست دنیایی است. علت این امر آن است که نتیجه نهایی توجه مردم به تفاخرات و لذات دنیوی باعث دوری تدریجی آن‌ها از امور معنوی و روحانی شده و غرق در مادیات می‌شوند. بدیهی است که انسان اسیر در مادیات برای رفع نیاز خود به هر تخلف و فساد می‌خواهد داد. بر همین اساس است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: (أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَىٰ وَ فِطَامُهَا مِنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛ برترین جهاد، مبارزه کردن با هوای نفس و بازگرفتن آن از لذت‌های دنیاست)) (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش/۱۲۲).

ب) اهتمام به صرفه‌جویی در مصرف و ساده زیستی در زندگی

اگرچه این یک اصل عمومی برای همه افراد جامعه محسوب می‌شود اما در ارتباط با موضوع پیشگیری از وقوع مفاسد در مورد مدیران و مسئولین نمود بیشتری پیدا می‌کند. آن‌چنان‌که آنان باید به دور از هرگونه تجمل‌گرایی و همانند مردم عادی زندگی کنند تا بتوانند تصمیمات درست گرفته، بینش صحیحی از وضعیت جامعه به دست آورند تا بتوانند در نتیجه فاصله بین فقیر و غنی را کم کنند و یک رفاه اقتصادی نسبی در جامعه پدید آورند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱/۴۰).

در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام به صراحت آمده که آن بزرگواران در مصرف بیت‌المال نهایت صرفه‌جویی را داشته و نهایت تلاش را می‌کردند که هیچ‌گونه اسراف در مصرف اموال عمومی صورت نگیرد. آن‌چنان‌که در منابع تاریخی آمده که شبی حضرت امیر علیه السلام در بیت‌المال حضور داشتند و مشغول انجام کاری بودند عمر و عاص به منظور انجام کار خصوصی خدمت ایشان رسیدند. امام بلافاصله چراغ بیت‌المال را خاموش کردند و به گفتگو با او در زیر نور ماه نشستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ۲/۱۱۰).

در خصوص ساده زیستی نیز زندگی ساده پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام به خوبی گواه بر این موضوع است. در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا* وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا: ای پیغمبر (گرامی) با زنان خود بگو که اگر شما زندگانی با زیب و زیور دنیا را طالبید بیایید تا من مهر شما را پرداخته و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم؛ و اگر طالب خدا و رسول و مشتاق دار آخرت هستید همانا خدا برای نیکوکاران از شما زنان (در قیامت) اجر عظیم آماده کرده است)).

در شان نزول آیات فوق جمعی از مفسران آورده‌اند که: پیامبر گرامی اسلام پس از آن که در غزوه " خیبر " غنائمی به دست آورد، آن را میان مسلمانان تقسیم کرد. درحالی‌که پیش از تقسیم همسران حضرت از وی درخواست کرده بودند که آن غنیمت را میان آن‌ها تقسیم کند و زمانی که با پاسخ منفی پیامبر مواجه شدند خشمگین شده و سخنان ناشایستی بر زبان آوردند. پس از چند روز از این ماجرا خداوند با نزول آیه‌ای به پیامبر دستور داد که همسران را میان انتخاب طلاق یا انتخاب همین زندگی ساده مخیر کن (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۱۰/ ۴۳۳ - ۴۳۴).

پ: اهتمام به ایجاد نظام عبرت‌آموزی و الگوسازی در جامعه

یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های مؤثر در رابطه با مبحث مبارزه با فساد که شاید بتوان به صراحت مدعی شد در هیچ مکتب مدرن بشری نیز مورد توجه قرار نگرفته و وجود ندارد ارائه الگوی مناسب، الگوسازی و اسوه‌پروری است. در قرآن کریم این مهم مورد توجه قرار گرفته است و می‌فرماید: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/ ۲۱)؛ یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است)). در آیات مصحف شریف تعبیر اسوه حسنه سه بار و در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت ابراهیم علیه‌السلام به کاررفته است (احزاب/ ۲۱، ممتحنه ۴ - ۵) و به معنای تأسی و پیروی از الگوی صحیح است.

اهمیت این موضوع تا آنجاست که هر انسانی در زندگی به منظور نیل به اهداف غایی نیازمند الگویی است و این الگو باید انسان کاملی باشد. نکته مهم‌تر آن است که اگر الگوسازی صحیحی در جامعه صورت نگیرد الگوهای کاذب جایگزین الگوهای صحیح می‌شوند و این الگوها زمینه‌ساز انواع مفاسد در جامعه می‌شوند.

ت) عدم رضایت به فساد و همکاری با مفسدین

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های گسترش فساد در جامعه آن است که مردم در برابر گناهکار و گناهی که انجام می‌دهد بی‌تفاوت و صرفاً نظاره‌گر او باشند. در قرآن کریم خداوند در بیان داستان سرکشی قوم ثمود در جریان کشتن ناقه صالح علیه السلام علی‌رغم این‌که قاتل یک نفر بود کشتن ناقه را با تعبیر "فَعَقَرُوها" به همه آن‌ها نسبت داده است. (هود/۶۵، شمس/۱۴) حضرت علی علیه السلام پس از بیان داستان قوم ثمود درباره سرنوشت آن‌ها می‌فرماید: (ای مردم. همه افراد جامعه در خشنودی و خشم (از چیزی) شریک می‌باشند. چنانکه ماده شتر ثمود را یک نفر پی نمود اما خداوند تمام آن قوم را عذاب کرد؛ زیرا همگی آن را پسندیدند و هیچ‌کس اعتراضی نکرد (نهج البلاغه / خطبه ۲۰۱)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در باب اهمیت این موضوع می‌فرمایند: (هرگاه در زمین گناهی پدیدار شود کسی که در آنجا ناظر است و از آن گناه متنفر است همانند کسی است که آن گناه را ندیده؛ اما کسی که در کنار آن گناه حاضر نبوده ولی از آن خشنود و راضی است همانند کسی است که در انجام آن گناه شرکت داشته است)) (پاینده، ش ۱۳۸۲، ۱۹۷).

بنابراین می‌توان گفت این موضوع یکی از مراتب نهی از منکر است. در آیات قرآن نیز شاهد آن هستیم که تمام آیاتی که کلمات "لاتطع، لاتتبع و لا تطیعوا" آمده بیانگر نهی از همکاری با گناهکاران، مفسدان، تبهکاران و ظالمان است و این بدان معناست که هرگونه دوستی، ابراز تمایل و رضایت و یا سکوت به گناه آنان جرم است و فرد سکوت کننده در برابر اعمال آنان همانند فرد گناه‌کار مورد عقوبت قرار خواهد گرفت.

ث: ایجاد روحیه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مسئولان

یکی دیگر از زیرشاخه‌های اقدامات فرهنگی به منظور مقابله با مفساد اقتصادی پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مسئولان است. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: ((آگاه باشید که همه شما رعیت‌دار و سرپرست هستید و همه شما در مورد زیردستانتان بازخواست خواهید شد حاکم سرپرست مردم، مرد خانواده سرپرست خانواده خویش، زن سرپرست فرزندان شوهر خود می‌باشد و (سرپرست) درباره آن‌ها باید پاسخگو باشند)) (ورام بن ابی فراس، ۱۴۰۱ ق، ۱/ ۶).

حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام هم پیوسته بر مسئله ارتباط مسئولان با مردم و لزوم پاسخگویی کارگزاران حکومتی به مردم تأکید داشته‌اند و خطاب به مالک اشتر نخعی می‌فرماید: ((فَلَا تُظَوِّرَنَّ اخْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ وَ قَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ؛ (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

پس هیچ‌گاه خود را فراوان (و برای مدت طولانی) از مردم پنهان مدار که در پرده ماندن والیان از رعیت مایه در تنگنا افتادن مردم است و کم‌اطلاعی والی از امور)) و همچنین در قسمت دیگری از همین نامه می‌فرماید: ((ثُمَّ أُمُورٌ مِنْ أُمُورِكَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ مُبَاشَرَتِهَا مِنْهَا إِجَابَةُ عَمَّا لَكَ بِمَا يَعْيَا عَنْهُ كُتَابُكَ وَ مِنْهَا إِصْدَارُ حَاجَاتِ النَّاسِ [عِنْدَ] يَوْمٍ وَرُودِهَا؛ قسمتی از کارها به‌گونه‌ای است که تو خود باید انجام دهی مانند پاسخ به کارگزاران در آنجایی که منشیان تو از پاسخ درمانده‌اند و دیگر برآوردن نیاز مردم در همان روز که به تو عرضه می‌کنند)).

بر اساس مجموعه دستورات دینی در این خصوص می‌توان گفت که چنانچه مدیران مسئولیت‌پذیر و پاسخگوی اعمال خود باشند مسلماً در چهارچوب قوانین و مقررات رفتار خواهند کرد چه اینکه می‌دانند که باید در قبال عملکرد خود به مردم گزارش دهند و مورد قضاوت قرار می‌گیرند. از سوی دیگر پاسخگویی مسئولان باعث می‌شود تا در برابر فساد زیردستان سکوت نکنند زیرا در نهایت مسئولیت زیردستان و پاسخگویی در قبال رفتار آنان

نیز بر عهده آن‌ها خواهد بود.

ج) اهتمام به افشاگری فساد

یکی دیگر از زیرمجموعه اقدامات فرهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی افشاگری است. هدف از افشاگری در این مبارزه نیز عبرت‌آموزی دیگران می‌باشد که در قرآن کریم نیز بر آن تأکید رفته می‌فرماید: (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ (حشر/۲) ای صاحبان بصیرت، عبرت بگیرید)).

این مهم در منابع روایی نیز مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر بر افشای نام و نشان افراد مفسد و دزدان بیت‌المال در افکار عمومی تأکید کرده، می‌فرماید: (از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و هرگاه یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو نیز آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را به تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال در دست اوست از او باز پس گیر و سپس او را خوار دار، خیانت‌کار بشمار و طوق بدنمایی به گردنش بیفکن)).

با بررسی برخی از شیوه‌های مجازات در اسلام از جمله مجازات در انظار عمومی می‌توان گفت که هدف این نوع از مجازات‌ها علاوه بر حذف مجرم و بازداشتن وی از رجوع مجدد به جرائم و مفاسد، افشاگری به منظور اعلان هشدار به دیگران با هدف عبرت‌آموزی می‌باشد. ناگفته پیداست که امروزه رسانه‌های عمومی به خوبی می‌توانند یاریگر این برنامه مهم اسلامی در مبارزه با انواع مفاسد از جمله فساد اقتصادی باشد.

۱.۲-۳. اقدامات مرتبط با اصلاحات نظام اداری و اجرایی

یکی دیگر از راهکارهای مهم برای مبارزه با مفاسد اقتصادی قبل از وقوع آن اصلاح نظام اداری و اجرایی (راهکارهای سازمانی) است که به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که در ساختار ادارات دولتی و خصوصی صورت می‌پذیرد و دارای ارتباط مستقیم با مسئله مفاسد اقتصادی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین رئوس برنامه و راهکارهای سازمانی مبارزه با مفساد اقتصادی عبارت‌اند از:

الف) اهتمام و دقت در نحوه‌گزینش مسئولان حکومتی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز مفساد اداری و به تبع آن مفساد اقتصادی، فساد در امر استخدام و گزینش افراد برای تصدی مناصب و مسئولیت‌ها است. در قرآن کریم هم بر مسئله واگذاری صحیح مسئولیت‌ها در جوامع اسلامی به افراد شایسته خداوند کریم می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که: امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید)). (نساء/ ۵۸)

در قرآن کریم نیز در داستان حضرت یوسف علیه السلام می‌خوانیم که زمانی که ایشان از پادشاه مصر تقاضای خزانه‌داری آن سرزمین را مطرح می‌کند بلافاصله دلیل این تقاضا را موضوع علم و تخصص می‌داند می‌فرماید: (قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ)). (یوسف/ ۵۵)

حضرت علی علیه السلام نیز در خصوص شرایط و ضوابط انتخاب کارگزاران حکومتی خطاب به مالک اشتر بر ضرورت مشورت در انتخاب عاملان و پرهیز از خودرایی همچنین بر انتخاب کارگزاران بر اساس تخصص و تعهد تأکید کرده است می‌فرماید: (سپس در امور عاملانت بیندیش و پس از آزمایش آن‌ها را به کاری بگمار و با میل شخصی خود و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا این کار نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمان باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و با تقوی که در مسلمانی دارای سابقه نیکویی هستند برگزین. چراکه اخلاق آنان گرامی‌تر، آبرویشان محفوظ‌تر، طمع‌ورزی آنان کمتر و آینده‌نگری‌شان بیشتر است)). (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳)

همچنین در سیره و روش حضرت امیر علیه السلام تصدی پست و مقام لقمه‌ای چرب و فرصتی برای کسب نان، نام و ثروت نامعقول نیست بلکه یک مسئولیت و امانت الهی است. لذا حضرت در نامه‌ای به کارگزار خود در آذربایجان به "نام اشعث بن قیس"

می‌فرماید: (وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ أَمَانَةٌ وَ فِي يَدَيْكَ؛ این سمتی که در دست تو قرار گرفته است، لقمه چربی برای تو نیست بلکه امانتی است بر عهده تو)). (-نهج البلاغه / نامه ۴۱)

بر اساس مطالب فوق می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل بروز مفاسد اقتصادی در هر جامعه‌ای مسئله‌گزینش و استخدام افراد نالایق در پست‌های حکومتی بر اساس روابط و نادیده گرفتن ضوابط است.

ب) اهتمام به قانون‌گرایی و عمل به ضوابط

یکی دیگر از راهکارهای سازمانی برای مقابله با مفاسد مالی عمل‌گرایی به قوانین است. توجه به این نکته ضروری است که امروزه ثابت شده که میزان توسعه کشورها صرفاً نتیجه سیاست‌های اقتصادی نیست بلکه مهم‌تر از آن پایبندی رهبران و مقامات کشوری و دولتی و شهروندان به قوانین مصوب است. شهروندان بیشتر کشورهایی قانون‌گرا هستند که مقامات دولتی آن‌ها نه تنها بر اساس صلاحیت و تخصص انتخاب شده‌اند بلکه بی‌طرف، غیر سودجو و قانون‌گرا باشند. برعکس اگر برداشت مردم این باشد که مقامات و سازمان‌های دولتی چندان مقید به قوانین و ضوابط نیستند کمتر به قوانین احترام می‌گذارند.

نمونه بارز قانون‌گرایی در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام قانون تقسیم برابر بیت‌المال است آنچنان که در سیره حضرت می‌خوانیم ایشان علی‌رغم تمام فشارها حتی ذره‌ای از قانون الهی کوتاه نیامد. در منابع تاریخی آمده است که حضرت پس از رسیدن به مقام خلافت به خزانه‌دار خود می‌فرماید: (مهاجران و انصار را صدا کن و به هر یک از آن‌ها سه دینار بپرداز سپس به هر یک از مردم که حاضر شدند سه دینار بپرداز خواه سیاه باشند یا سرخ. "سهل بن حنیف" به این قانون اعتراض می‌کند و ضمن اشاره به فردی می‌گوید: ای علی. این شخص تا دیروز غلام من بود و من او را آزاد کردم، آیا اکنون سهم او با من یکسان است؟! حضرت در پاسخ فرمودند: همان مقداری که به تو بدهم، به او نیز خواهم داد)) (مجلسی،

۱۴۰۳ ق، ۳۲ / ۱۸۰). حتی از خواص نیز افرادی همچون طلحه و زبیر در مقام اعتراض به این قانون سهمیه خود را نگرفتند به امید این که حضرت تغییری در قانون ایجاد کند یا اینکه برای این خواص از قانون تخطی کند اما حضرت بدون اعتنا به اعتراض آن‌ها به قانون الهی عمل کردند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ۷ / ۴۱).

بنابراین از سیره حضرت چنین برمی‌آید که حضرت پیوسته مقید به قانون‌گرایی و ضابطه‌مداری و مبارزه با رابطه‌مداری، سرپیچی از قوانین حکومت اسلامی و رانت‌خواری بودند.

پ: تأمین رفاه و پرداخت حقوق مکفی به کارگزاران

یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز بروز مفاسد در یک جامعه آن است که حقوق کارگزاران حکومتی مکفی و تأمین‌کننده نیاز زندگی آنان نباشد. به عبارت دیگر صالح بودن انسان‌ها نیاز به زمینه‌هایی دارد که در صورت مهیا نبودن آن شرایط تحقق این مهم دشوار یا حتی ممکن است مقدور نباشد. به عنوان نمونه انسان برای بقای خود نیاز به غذا دارد. بر اساس دستورات الهی او می‌بایست این غذا را از راه حلال به دست آورد حال اگر شرایط تأمین غذا برای وی محقق نشود احتمال ابتلای افراد به مفاسد برای تأمین غریزه خود افزایش می‌یابد.

بر همین اساس برخی از تخلفات مالی از جمله دریافت رشوه یا سوءاستفاده از بیت‌المال ناشی از پایین بودن سطح دستمزد و حقوق عاملان و کارگزاران دولت است. این موضوع مهم در منابع اسلامی هم مورد تأیید واقع شده است آن‌چنان‌که حضرت امیر علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: (*ثُمَّ أَكْثَرَ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ وَ أَفْسَحَ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يَزِيلُ عِلَّتَهُ وَ تَقِيلُ مَعَهُ حَاجَتَهُ إِلَى النَّاسِ*؛ نهج البلاغه / نامه ۵۳) پس از انتخاب قاضی، هرچه بیشتر در قضاوت‌های وی ببندیش. آن قدر {از مال دنیا} به او که نیازهای او برطرف شود و به مردم نیازمند نباشد. در ادامه این نامه حضرت فلسفه انجام این کار را جلوگیری از نفوذ نزدیکان در شخص قاضی {عدم دریافت رشوه} می‌داند. همین نکته درجایی دیگر از نامه ۵۳ در

مورد کارگزاران دولتی آمده می‌فرماید: (ثُمَّ أَشْبِعْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ؛ سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار. چراکه با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند)).

البته توجه به این نکته ضروری است درست است که در اسلام بر موضوع پرداخت حقوق مکفی و تأمین زندگی کارگزاران و کارمندان تأکید شده است؛ اما بدیهی است که تعریف "حقوق مکفی" و این‌که چه مقدار از درآمد کافی است به عوامل مختلف و متعددی مانند سطح انتظارات افراد، الگوهای مصرفی و... بستگی دارد. در یک تعریف کلی می‌توان گفت که در دستورات اسلامی رفاه به معنای برخورداری از امکانات مادی و معنوی در حدی که بتواند تمام امور مربوط به نیازهای مادی و روحی خود و افراد تحت تکفل را در حد معقول برآورده و بتواند در ادای وظایف اجتماعی و حقوق و تکالیفی که بر عهده اوست اعم از مادی و معنوی موفق باشد. با این بیان تفاوت بین رفاه در عرف و دستورات اسلامی آن است که در دیدگاه اسلامی رفاه عبارت است از آسایش و توسعه مالی و غیرمالی (معنوی) در زندگی درحالی‌که رفاه در عرف صرفاً به آسایش و توسعه مادی زندگی معنا می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ش / ۷۷۷). در این پژوهش منظور از حقوق مکفی به‌منظور تأمین رفاه ناظر به تعریف فوق از واژه رفاه است.

ت) الزام به اعلام و محاسبه دارایی افراد قبل و بعد از تصدی پست، حسابرسی

بیت‌المال

یکی دیگر از راهکارهای مهم برای مقابله با مفاسد اقتصادی آن است که افراد را ملزم به اعلام دارایی‌ها خود قبل و بعد از تصدی یک پست یا مقام کنیم؛ و اگر افرادی خود اعلام دارایی نکردند از طریق محاسباتی که توسط سازمان‌های مجری صورت می‌پذیرد این کار انجام پذیرد. این موضوع از آن جهت موردتوجه قرار می‌گیرد که اگر افرادی در حین تصدی یک پست دارایشان به میزان نامعقولی افزایش یافته احتمال بروز فساد وجود دارد و باید

مورد بررسی قرار گیرد.

این مهم در منابع اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. آن چنان که محاسبه و لزوم اعلام دارایی‌ها توسط حاکمان و مقامات ارشد در سیره حضرت امیر علیه السلام در دوران حاکمیت کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه حضرت در نامه‌ای به قاضی " شریح بن الحارث" او را احضار می‌کند و می‌فرماید: ((به من خبر داده‌اند که به هشتاد دینار خانه‌ای خریده‌ای و برای آن سندی نوشته‌ای و آن را گواهانی امضا کرده‌اند. شریح گفت: آری ای امیرالمؤمنین. امام نگاه خشم‌آلودی به او کرد و فرمود: ای شریح، به زودی کسی به سراغت می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند و از گواهانت نمی‌پرسد تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد. ای شریح، بیندیش که آن خانه را با پول حرام یا مال دیگران خریده باشی که در این صورت خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای)). (نهج البلاغه / نامه ۳)

در دیدگاه علوی اعلام میزان دارایی یکی از مصادیق پاسخگویی مسئولان حکومتی در برابر مردم بوده می‌فرماید: ((دَخَلْتُ بِلَادِكُمْ بِأَشْمَالِي هَذِهِ وَ رَحَلْتِي وَ رَاحِلَتِي هَا هِيَ فَإِنْ أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بِغَيْرِ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِنِينَ)) (بحرانی، ۱۴۱۱ ق، ۲ / ۲۳۱)؛ من با این جامه‌های اندک خویش و این باروبنه و مرکب که می‌بینید به سرزمین شما پا نهادم، هرگاه بیشتر از آنچه به هنگام آمدن داشته‌ام با خود ببرم، به یقین من از خائنانم)).

اعلام دارایی از سوی افراد هرگز به معنای عدم مراقبت از اموال عمومی (بیت‌المال) از سوی حاکمان نیست. به عبارت دیگر اعلام دارایی مرحله نخست انجام این کار است؛ اما چنانچه افراد از انجام این کار امتناع کردند باید از طرق دیگری از دارایی افراد اطلاع پیدا کرد و از تضييع بيت‌المال جلوگیری کرد. یکی از این طرق سیستم اعلام گزارش است. در مجموع با بررسی سیره حضرت علی علیه السلام متوجه می‌شویم که سیستم گزارش دهی در حکومت ایشان به سه شکل بوده است. ۱. گزارش‌های رسمی کارگزاران که این به نوعی همان اعلام دارایی‌های خود و افراد زیر دست بوده است ۲. گزارش افراد مورد اعتماد که به صورت نامحسوس فعالیت داشتند. حضرت در این مورد در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک

اشتر می‌فرماید: (ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَةِ؛ رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راست‌گو و وفاپیشه بر آن‌ها بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آن‌ها سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود). ۳۰. گزارش‌های عمومی و مردمی که طبق شواهد تاریخی همین گزارش‌ها باعث برکناری یکی از فرمانداران حضرت به نام منذر بن جارود عبدی است که در پست خود مرتکب خیانت شده بود. (نهج البلاغه / نامه (۷۱)

آنچه در فوق بیان شد درست است که مربوط به اقدامات پس از وقوع فساد است اما هدف از بیان آن در روش‌های پیشگیری آن است که چنانچه افراد بدانند که باید همواره گزارشی از دارایی‌های خود به حاکم و مردم عرضه کنند و اگر این کار را نکنند مورد بازرسی و بازرسی قرار می‌گیرند انگیزه‌ای می‌شود تا به سمت مفاسد نروند؛ بنابراین این راهکار در اقدامات سلبی که در آینده مطرح خواهد شد هم می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

۲.۲. راهکارهای برخوردی (سلبی)

همان‌گونه که در مباحث فوق اشاره شده در مبحث مبارزه با هرگونه از مفاسد از جمله مفاسد مالی و اقتصادی اولویت با راهکارهای پیشگیری است؛ اما چنانچه افراد توجهی به تذکرات فرهنگی و قوانین مصوب نداشته و مرتکب فساد شوند بدیهی است که باید مجازات شوند. هدف از راهکارهای سلبی که به صورت مستقیم در برخورد با مفسدین قرار دارد تنبیه و تنبه مفسدان است.

مهم‌ترین راهکار سلبی مبارزه با فساد "اقدامات قضایی و جزایی" است. دستگاه قضایی می‌تواند با استفاده از سازوکارهایی مانند تدوین دقیق و از بین بردن خلاء‌های قوانین قضایی، انتخاب قضات عادل، تأمین مالی مناسب قضات و کارگزاران قضایی، نظارت و... خود نیز مانع از بروز مفاسد اقتصادی در جامعه شود اما غالب نقش این دستگاه و تدابیر آن مربوط به مرحله بعد از وقوع مفاسد و برخوردهای سرکوب‌گرایانه است. در

بحث‌های فوق به این مطلب اشاره کردیم که در دستورات اسلامی اولویت با راهکارهای پیشگیری و توأم با ملاحظت و تذکر است؛ اما همیشه افرادی هستند که در برابر قوانین الهی و حکومتی سرکشی کرده، دست به طغیان می‌زنند. در این مرحله اقدامات و تدابیر قضایی و جزایی مطرح می‌شود و دامان جامعه اسلامی را با استفاده از قهوه قهریه از لوث وجود مفسدان پاک می‌کند؛ بنابراین این مرحله از مبارزه با فساد که از مهم‌ترین ارکان مبارزه نیز محسوب می‌شود برخلاف ادعای برخی از افراد در هیچ زمان و شرایطی نمی‌توان آن را حذف کرد بلکه باید آن را مکمل و متمم اقدامات ایجابی و فرهنگی دانست.

رویکرد آیات قرآن کریم، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام مؤید استفاده از راهکارهای سلبی و برخوردگرایانه با مجرمین پس از وقوع جرم است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: (وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید). در آیات دیگری از مصحف شریف خداوند در بیان داستان‌هایی، سرنوشت مفسدین و ظالمان را پس از بی‌اعتنایی به دستورات الهی و نصایح پیامبران هلاکت معرفی کرده است. از جمله شخص ثروتمندی همچون قارون که با پوشش لباس‌های زینتی و غرق در مادیات به مواظبت موسی علیه‌السلام بی‌اعتنایی کرد و نهایت مجازات الهی را دید. (قصص ۱/ - ۸) نمونه دیگر داستان ذوالقرنین است که آن حضرت به‌منظور جلوگیری از ظلم و طغیان قوم یاجوج و ماجوج با همکاری مردم مبادرت به ساختن سد مستحکمی کرد که آن قوم قادر نبودند از آن بالا بروند و نه این‌که در آن نقبی بزنند. (کهف/ ۹۷) از جمله درس‌هایی که از این داستان می‌توان استفاده کرد آن است که محبوس کردن عوامل فساد و ساختن زندان‌ها به‌منظور تأمین آسایش و امنیت مردم امری ضروری است.

در روایات متعددی نیز اجرای حدود الهی و برخوردهای قضایی و جزایی با مفسدان مطرح و مورد تأکید واقع شده است. از جمله در روایتی امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: (همسر پیامبر "ام سلمه" کنیزی داشت که وی مرتکب سرقت شده بود. افراد که مالی از آنان به

سرقه رفته بود به‌عنوان شاکه به خدمت پیامبر رسیده و از ایشان تقاضای مجازات برای آن کنیز کردند. پیامبر علیه‌السلام شفاعت ام سلمه از کنیز خود، دست کنیز را قطع کردند و فرمودند: این حدی از حدود الهی است که نباید تعطیل شود)) (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۸ / ۳۳۳).

در سیره حضرت امیر علیه‌السلام تناسب مجازات مجرم با جرم ارتكابی کاملاً مشهود است. به‌عنوان نمونه حضرت برخی از افراد مجرم مانند عثمان بن حنیف را صرفاً با نوشتن نامه مورد سرزنش قرار می‌دهد. (نهج البلاغه / نامه ۴۵) درحالی‌که برخی از مجرمین و مفسدین مانند منذر بن جارود را علاوه بر بازپس‌گیری پست و اموال و خوار کردن در میان مردم، تنبیه بدنی نیز می‌کند. (نهج البلاغه / نامه ۷)

بنابراین می‌توان گفت که آنچه در حیطه اقدامات قضایی و جزایی ضرورت دارد عدم افراط و تفریط یا به عبارت دیگر تناسب مجازات با جرم مجرم دارد. از طرف دیگر توجه به این نکته ضروری است که درست است که تنبیه و مجازات ظاهراً تلخ و ناگوار است اما چون به هدف اصلاح، رشد و تعالی در جامعه صورت می‌گیرد بسیار سازنده است. نظیر این مطلب در روایت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است آنجا که می‌فرماید: ((حَدْ يَعْمَلُ فِي الْأَرْضِ خَيْرٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ أَنْ يَمْطُرُوا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا)) (پاینده، ۱۳۸۲ ش / ۴۳۹)؛ اجرای حد الهی در روی زمین، از چهل روز باریدن باران برای مردم بهتر است)).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام مسئله فساد اقتصادی به‌عنوان یکی از مشکلات جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است. در این منابع فساد اقتصادی مفهوم وسیع‌تری از آنچه در عرف جامعه مطرح شده دارا می‌باشد و به هرگونه انحراف و تخطی از احکام اسلامی که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی شود اطلاق شده است. در منابع اسلامی علاوه بر تعریف مفهوم فساد اقتصادی، برای تبیین هر چه بهتر این مفهوم به ذکر مصادیق آن از جمله دریافت رشوه، اسراف و تبذیر، رباخواری، کم‌فروشی،

حرام‌خواری و... و همچنین راهکارهای مبارزه با آن پرداخته شده است. از بررسی مجموع آیات و روایات این نکته حاصل می‌شود که در این منابع راهکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی را می‌توان در دودسته بندی کلی راهکارهای پیشگیرانه (ایجابی) و راهکارهای سرکوب‌گرایانه (سلبی) قرار داد. هر یک از این راهکارها هم خود مشتمل بر زیرمجموعه‌هایی است. راهکارهای پیشگیرانه به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که با استفاده از اقدامات تعیینی (روشن ساختن هنجارها و ناهنجاری‌ها)، اقدامات فرهنگی (تلاش در جهت تزکیه و تهذیب نفوس، الگوسازی در جامعه، افشاگری و...)، اقدامات اصلاح نظام اجرایی و اداری (دقت در گزینش مسئولان، قانون‌گرایی و...) سعی در جلوگیری از وقوع مفاسد در جامعه دارد. راهکارهای سرکوب‌گرایانه نیز تلاش می‌کند تا با استفاده از اقدامات قضایی و جزایی چنانچه جرمی به وقوع پیوست مجرم را مجازات کند و از این طریق باعث اصلاح جامعه و مفسدین شود. در منابع اسلامی تأکید اصلی بر مبارزه پیشگیرانه است و بخش اعظم این منابع به مسئله پیشگیری از وقوع جرم از طریق اقدامات فرهنگی و اصلاحی نظر دارد. هرچند که در این منابع راهکارهای سلبی و برخوردی در درجه دوم و در صورت ناموفق بودن اقدامات فرهنگی و اصلاحی مورد توجه قرار گرفته است اما نفی نشده است بلکه به عنوان مکمل و متمم اقدامات ایجابی شناخته شده است.

منابع

- قرآن کریم قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، الخصال، قم، چاپ اول، انتشارات جامعه مدرسین.
 ۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، چاپ اول، انتشارات علامه.
 ۴. اکبر نژاد، مهدی، ۱۳۹۳ ش، (بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و حدیث)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱.
 ۵. باهر، حسین، ۱۳۸۴ ش، (مفسد اقتصادی: عوامل و موانع)، نشریه بانک و اقتصاد، شماره ۶۴.
 ۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۱ ق، حلیه الابرار فی احوال محمد و آلہ الاطهار علیهم السلام، قم، چاپ اول، انتشارات موسسه المعارف الاسلامیه.
 ۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، نهج الفصاحه، تهران، چاپ چهارم، انتشارات دنیای دانش.
 ۸. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ ش، نقش عوامل رفاهی در ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی از دیدگاه ارزشی اسلام، تهران، چاپ سوم، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
 ۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، چاپ اول، موسسه آل البيت.
 ۱۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ ش، تفسیر اثنی عشری، تهران، چاپ اول، انتشارات میقات.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، انتشارات دارالعلم.

۱۲. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۱ش، حقوق متقابل مردم و حکومت (مجموعه چشم‌انداز امام علی علیه السلام)، تهران، چاپ اول، انتشارات موسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، چاپ چهارم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و المواعظ، قم، چاپ اول، انتشارات دارالحدیث.
۱۵. مجلسی، محمد بن باقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، بحارالانوار: الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، چاپ دوم، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۱۶. محقق، محمدجواد، ۱۳۸۹ش، بررسی مفاصد اقتصادی از دیدگاه اسلام (مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری)، تهران، چاپ اول، انتشارات زمان نو.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، چاپ اول، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. موسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید، ۱۳۸۳ش، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض با تمرکز بر نقش راهبردی صداوسیما، تهران، چاپ اول، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۹. مصطفوی، سیدحسن، ۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، انتشارات ترجمه و نشر
۲۰. ورام بن ابی فراس، مسعودبن عیسی، ۱۴۰۱ ق، مجموعه ورام، قم، چاپ اول، انتشارات مکتب فقیه.